

درس پنجم

کباب غاز

واژگان

۱- باتوجه به مفهوم عبارات زیرف معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

الف) شب عید نوروز بود و موقع ترفیع رتبه. در اداره با هم قطارها قرار مدار گذاشته بودیم.

پاسخ: ترفیع: بالا بردن / هم قطار: همکار

ب) هرکس، اول ترفیع رتبه یافت به عنوان ولیمه کباب غاز صحیحی بدهد.

پاسخ: ولیمه: غذایی که در مهمانی و عروسی می‌دهند.

ث) این بدبخت‌ها سال آژگار یک بار برایشان چنین پای می‌افتد.

پاسخ: آژگار: تمام، طولانی / پای می‌افتد: فرصتی پیش می‌آید.

ج) چه طور است از منزل یکی از دوست و آشناپان یک دست دیگر ظرف و لوازم عاریه بگیریم. گفتم مگر نمی‌دانی این کار شکوم ندارد؟

پاسخ: عاریه: قرضی، موقّتی / شکوم: خجسته، مبارک

چ) ... علاوه بر غاز معهود، دورنگ پلو با تمام مخلّفات رو به راه شده است.

پاسخ: معهود: در اینجا به معنی وعده داده شده / دو رنگ: دو نوع / مخلّفات: چیزهایی که به همراه غذا خورده می‌شود.

خ) پیش خود گفتم: «چنین روز مبارکی صلهی ارحام نکنی کی خواهی کرد.» لِهَذَا صداس کردم.

پاسخ: صلهی ارحام: دیدار از اقوام / لِهَذَا: بنابراین

ذ) پس از مدتی اندیشه و استشاره چاره‌ی منحصر به فرد را در این دیدم...

پاسخ: استشاره: مشورت

ز) با حال استیصال پرسیدم: «چه خاکی بر سر بریزم!»

پاسخ: استیصال: درماندگی

ش) این حرف که در بادی امر زیاد بی پا و بی معنی به نظر می‌آمد ... و نباید زیاد سَرَسَری گرفت.

پاسخ: بادی: آغاز، در اصل اسم فاعل از «بَدَّ» به معنی شروع کننده است. / سَرَسَری: ساده و بی اهمیّت

ص) مصطفی قد دراز و کج و **معوجش** را روی صندلی مخمل جا داد و آثار شادی در **وجناتش** نمودار گردید. و خواست جویده جویده از این بروز محبت و دل بستگی **غیر مترقبه‌ی** هرگز ندیده و نشنیده سپاس‌گزاری کند.

پاسخ: معوج: کج و خمیده / وجنات: چهره، رخسار / غیر مترقبه: ناگهانی، غیر منتظره

ض) مهمانان در صرف صیغه‌ی **بَلَعْتُ** **اهتمام تامی** داشتند.

پاسخ: بَلَعْتُ: آن را فرو بردم، «صرف کردن صیغه‌ی بَلَعْتُ»: چیزی را خوردن / اهتمام تام: تلاش کامل و تمام

ظ) ... به خوبی از عهده‌ی **مقرّره‌ی** خود برمی‌آید و احتیاج به **تذکار** نیست ... و مجلس آرای **بلامعارض** شده است.

پاسخ: مقرّره: قرار گذاشته شده (در این جا به معنی وظیفه) / تذکار: یادآوری / بلاعارض: بی رقیب

ع) یکی از **حصّار** چنان **محظوظ** گردیده بود که جلو رفته **جبهه‌ی** شاعر را بوسید.

پاسخ: محظوظ: لذّت برده / جبهه: پیشانی

ق) استخوان غاز مادر مرده، مانند گوشت و استخوان شتر قربانی در **کمرکش** دوازده حلقوم و **کتل** و گردنه‌ی یک دو جین شکم و روده مراحل **مَضَع** و **بَلَع** و **هَضَم** و **تَحْلِيل** را پیموده یعنی به زبان خودمانی **رندان** چنان کلکش را کردند...

پاسخ: کمرکش: راستا، میانه، وسط / کتل: بالا، تپه‌ی مرتفع / مَضَع: جویدن / بَلَع: بلعیدن، فرو بردن / هَضَم: گوارش / تحلیل: حل شدن / رندان: نامردها، ناهلان

ک) هیچ باور کردنی نبود که آقایان دو ساعت تمام با یک خروار گوشت و پوست و **بقولات** و حبوبات در کشمکش و تلاش بوده‌اند ... و مرا به یاد بی ثباتی فلک بوقلمون و **شقاوت** مردم **دون** و مکر و فریب جهان **پتیاره** و **وقاحت** این مصطفای بدقواره انداخته بود.

پاسخ: بقولات: سبزیجات / شقاوت: بی رحمی / دون: پست، فرومایه / پتیاره: زشت / وقاحت: بی شرمی، گستاخی

ن) فردای آن روز به خاطر آمدن که دیروز یک دست از بهترین لباس‌های نودوز خود را با کلیه‌ی **متفرّعات** به **انضمام** **مایحتوی** یعنی آقای استادی مصطفی خان به دست چلاق شده‌ی خودم از خانه بیرون انداخته‌ام ولی چون تیری که از **شست** رفته باز نمی‌گردد.

پاسخ: متفرّعات: وابسته‌ها، توابع / انضمام: همراه / مایحتوی: آنچه داخل آن است. (منظور، مصطفی است.) / شست: کمان

معنی عبارات

۲- تنها همان رتبه‌های بالا را وعده بگیر و مابقی را نقداً خط بکش و بگذار سماق بکند.

پاسخ: فقط مهمانهای رتبه بالا را دعوت کن و بقیه را در نظر نگیر و بگذار منتظر بمانند.

۳- در صرف کردن صیغهی «بَلَعْتُ» اهتمام تامّی داشتند.

پاسخ: در بلعیدن غذا تلاش کاملی داشتند.

۴- در خوش بازی و حرّافی و شوخی و بذله و لطیفه نوک جمع را چیده و متکلمّ وحده و مجلس آرای بلامعارض شده است.

پاسخ: در خوش سخنی و پرحرفی و سخنان نشاط آور از همه سبقت گرفته بود. (به دیگران اجازه‌ی صحبت نمی‌داد.) و به تنهایی سخن می‌گفت. سخنران بدون رقیب شده بود.

۵- یکی از حضّار که کبّاده‌ی شعر و ادب می‌کشید، چنان محفوظ گردیده بود که جلو رفته و جبهه‌ی شاعر را بوسید.

پاسخ: یکی از حاضران که ادّعای شعر و شاعری داشت، آن چنان تحت تأثیر قرار گرفته بود و لذّت می‌برد که جلو رفت و پیشانی شاعر (مصطفی) را بوسید.

۶- به چشم خودم دیدم که غاز گلگونم لخت لخت و قطعهٔ بهد آخری طعمه‌ی این جماعت کرکس صفت شده و کآن لم یکن شیئاً مذکورا ...

پاسخ: با چشم خودم دیدم که غاز سرخ رنگ (سرخ شده) تگّه تگّه شده و هر تگّه خوراک این افراد لاشخور صفت گردید بطوری که چیزی قابل گفتن نبود. (همه‌ی غذاها سر به نیست شده بود.)

درک مطلب و خودآزمایی

۷- مفهوم عبارات زیر چیست؟

الف) هفت قرآن به میان

پاسخ: بلا دور باشد.

ب) هر گلی هست سر خودت بزن

پاسخ: هر کاری کردی برای خودت انجام دادی، خیر و شرّ آن به عهده خودت است.

پ) هیچ برو برگرد نداشت.

پاسخ: اصلاً تغییر نمی‌کند، حتمی و قطعی است.

۸- ضرب المثل «کاه از خودمان نیست، کاهدان که از خودمان است.» در نکوهش چه امری به کار می‌رود؟

پاسخ: در نکوهش پرخوری

۹- کدام یک از عبارات زیر بیانگر مفهوم «پرحرفی» نیست؟

الف) چانه‌اش گرم شده بود.

ب) مجلس آرای بلامعارض شده بود.

پ) نوک جمع را چیده بود.

ت) همه گوش شده بودند و ایشان زبان.

ث) تنها او حرف می‌زد.

ج) با همان زبان بی زبانی حَقّش را کف دستش می‌گذاشتم.

پاسخ: مورد (ج): «با همان زبان بی زبانی، حَقّش را کف دستش می‌گذاشتم.»

۱۰- مفهوم عبارتهای زیر چیست؟

الف) به زبان خودمانی رندان کلکش را کردند.

ب) لَخت لَخت و قطعۀ بعد اسخری طعمه‌ی این جماعت کرکس صفت شد.

پ) منظره‌ی فنا و زوال غاز خدا پیامرز، مراب ه یاد بی ثباتی فلک بوقلمون انداخته بود.

پاسخ: همه عبارات بیانگر خوردن غاز است.

۱۱- محوریت‌ترین پیام داستان کباب غاز را در یک بیت مطرح کنید.

پاسخ:

شیشه نزدیک تر از سنگ ندارد خویشی هر شکستی که به انسان برسد از خویش است

۱۲- بیت زیر با کدام قسمت متن زیر ارتباط دارد؟

«القصّه در این چمن چو بید مجنون می‌بالم و در ترقّی معکوسم»

پیش خودم گفتم: «چنین روز مبارکی صله‌ی ارحام نکنی کی خواهی کرد.» لهذا صداس کردم. سرش را خم کرده وارد شد. دیدم ماشاءالله چشم بد دور آقا و اترقیده‌اند. قدش درازتر و تک و پوزش کریه‌تر شده است.

پاسخ: عبارت «دیدم ماشاءالله چشم بد دور آقا و اترقیده‌اند.»

۱۳- مفهوم هر یک از عبارات زیر را مقابل آن‌ها بنویسید.

الف) شکستن گردن رستم و کشف آمریکا که نیست.

پاسخ: کار دشواری نیست.

ب) از دهنم در رفت.

پاسخ: در انجام آن اختیاری نداشتم.

پ) حساب کار خود را کردن

پاسخ: عاقبت اندیش بودن، متوجه موضوع شدن.

ت) خم به ابرو نیاوردن

پاسخ: اهمّیت ندادن، توجه نکردن.

ث) دِ بگير که این ناز شستت.

پاسخ: مُزد و نتیجه‌ی کار را دیدن

آرایه‌های ادبی

۱۴- در عبارات زیر مفهوم کنایات را مشخص کنید و بگویید کدام عبارت تعداد کنایات کمتری دارد؟

الف) شکم‌ها را مدّتی صابون زده‌اند که کباب غاز بخورند و ساعت شماری می‌کنند.

پاسخ: شکم را صابون زدن کنایه از به خود وعده دادن و ساعت شماری کردن، کنایه از منتظر بون است. (دو کنایه دارد.)

ب) پرسیدم: پس چه خاکی به سرم بریزم گفت: خوب بود مهمانی را پس می‌خواندید.

پاسخ: چه خاکی بر سرم بریزم، کنایه از چه تدبیری بیندیشم. (یک کنایه دارد.)

پ) حالا دیگر چانه‌اش گرم شده و در خوش‌زبانی و حرّافی، نوک جمع را چیده.

پاسخ: چانه‌اش گرم شده بود، کنایه از پرحرفی و نوک جمع را چیدن، کنایه از جلوی حرف زدن دیگران را گرفتن است. (دو کنایه دارد.)

ت) هنوز دستگیرش نشده بود و نمی‌دانست که مهار شتر را به کدام جانب می‌کشد.

پاسخ: هنوز دستگیرش نشده بود، کنایه از متوجه نشدن و مهار شتر را به کدام جانب می‌کشد، کنایه از قصد انجام کاری را داشتن است. (دو کنایه دارد.)

ث) بدون آن که سر سوزنی خود را از تک و تا بیندازد، دل به دریا زده است.

پاسخ: خود را از تک و تا نینداختن، کنایه از اعتماد به نفس داشتن و دل به دریا زدن، کنایه از نترسیدن و اعتماد به نفس داشتن است. (دو کنایه دارد.)

تاریخ ادبیات

۱۵- ادبیات داستانی ایران از چه زمانی با نوشتن کدام کتاب آغاز گردید؟

پاسخ: از اوایل دوره‌ی مشروطه و با نوشتن کتاب‌هایی نظیر «سیاحت نامه‌ی ابراهیم بیگ» از زین العابدین مراغه‌ای و «مسالک المحسنین» از عبدالرحیم طالیوف.

۱۶- سه اثر از الکساندر دوما‌ی پدر و یک اثر از آلن رنه‌ی فرانسوی نام ببرید.

پاسخ: الکساندر دوما: ۱- سه تفنگدار ۲- کنت مونت کریستو ۳- لاله‌ی سیاه / آلن رنه: ژیل بلاس

۱۷- داستان کوتاه در ایران با مجموعه‌ی اثر شروع شد.

پاسخ: «یکی بود یکی نبود» اثر محمد علی جمال زاده

۱۸- آثار جمال زاده را نام ببرید.

پاسخ: ۱- دارالمجانین ۲- سرو ته یک کرباس ۳- تلخ و شیرین

۴- هفت کشور ۵- شورآباد ۶- راه آب‌نامه ۷- قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریش دار
۸- قصه‌ی ما به سر رسید.

۱۹- زاویه‌ی دید و لحن داستان کباب‌غاز چگونه است؟

پاسخ: زاویه‌ی دید: اوّل شخص و لحن داستان، طنزآمیز است.